



مروری بر قصه تلخ سرزمین دل سوختگان فقیر؛

مرغکان خارزار این سرزمین سرود سوختن می خوانند

به وسعت تاریخ چندهزار ساله دارد، این سرزمین در رشادت، صبوری و ایستادگی از اولین هاست. و اینک نیز در شمار اولین های خودسوزی در کشور و حتی در جهان قرار دارد! بر پیشانی تاریخ این سرزمین هفته ای نگذشت مگر به آواز یکی از مرغکان دلسوخته که آتشی خودساخته، سوخته و هیزم این آتش غبار، ثروتی به نام طلای سیاه است و او قطره های آن را بر جان دردمندش می پاشد تا ترانه آخرین

است، بسوزند! روزهای تلخی به تکرار برای مرغکان معصوم گذشت، برگ های سیاه این روزها بر تلی از خاکستر امید، گذشت تا آخرین نوا و آوازش را سردهد و این است، سرنوشت تلخ مرگ تن؛ در آتشی خود ساخته که بسوزاند جسمی، پر آرزو اما ناامید را.

سرزمین تاریخی ایلام، سرزمین دردخیزی است که غبار غم بر چهره و سینه ای پاره پاره از بادگارهایی تلخ

شهره ماهی صفت

پرنندگان خارزار این سرزمین، قطره های درد را چون سربی داغ و ذوب شده از غم، قطره قطره، مزه می کنند تا طعمی پر بغض مملو از آرزوهایی در دور دست و به امیدی پر شده از موج های اشک به جان می ریزند، تا خارزاری بیابند و بر بلندترین و تیزترین آتش خار گونه آن، آوازی سر دهند پر شده از فریاد، تا در این فریاد آخر که نامش سرنوشت سوخته از غروری سوخته

این
سرزمین
در رشادت
، صبوری و
ایستادگی از
اولین هاست.
و اینک نیز
در شمار
اولین های
خودسوزی
در کشور
و حتی در
جهان قرار
دارد



آوازش را بسازد.

با هر قصیده ای از این غزل غبار، سرود تنهایی، دل‌تنگی و غمگینی، نابرابری فقر، بی اعتمادی، نگاه های مملو از سوء ظن، تیغ نیز حسرت و خیانت را می سزاید، شجاعت، هشت سال دفاع مقدس را در دامن طبیعت کوهستان هایی ایلام سرزمین تجربه کرد که زیر چکمه های دشمن کین بود و مین های دشمن همخانه با مردمانش بود.

این سال ها بر این سرزمین سخت گذشت پیش نگاه مهرورزانه از آنان نگرییم.

● مروری دگر بار بر سرزمین شجاعان فقیر

پائولو کوئیلو نویسنده برزیلی درباره شگفتی و جنون اینچنین می نویسد: «آگاهی از مرگ، ما را تشویق می کند تا شدیدتر زندگی کنیم» این اعتقاد؛ ایلامی ها را بر آن داشت تا به هنگام جنگ، مردم به حرمت میهن پرستی وطن دوستی بمانند و مقاومت کنند تا دشمن از خانه بیرون رود. آن زمان آمار خودکشی در حد صفر بود. آنان با وجود تمامی شداید و سختی ها و حتی زندگی در زیر چادر، سرگردانی در کوه ها بدون هیچ امکاناتی زندگی می کردند، اما پس تحمل این فشارها و بروز مشکلات روحی، بیکاری، مشکلات اقتصادی، اختلافات خانوادگی، ازدواج های تحمیلی، همه و همه، درد آتش را به جان می خریدند. این موضوع نشان می دهد مردم پس از اتمام جنگ نیاز به توجه ویژه بودند.

فتح اله محمدیان کارشناس ارشد روانشناسی بالینی با اشاره به آمارهای سازمان های جهانی بهداشت، می گوید: سالانه حدود چهارصد هزار تو در جهان خودکشی موفق دارند. وی در خصوص عوامل زمینه

ساز انگیزه خودکشی می گوید: فقر فرهنگی، شرایط اقلیمی، بی سوادی، مهاجرت های بی رویه، تعدد زوجات، تعداد زیاد افراد در یک خانواده و ساختار نامناسب آن، فقدان فراغت و سرگرمی های معقول زندگی از مهمترین موارد زمینه سازی برای انگیزه خودکشی است.

● خودسوزی دردناک ترین نوع خودکشی

خود آتش زنی یا خودسوزی نوعی از خودکشی است که از آن به عنوان سهل الوصول بودن خودکشی این عمل از آن یاد می شود، شاید بتوان دو عامل الگوپذیری و دسترسی آسان مواد سوختنی را به عنوان مهمترین عوامل در این انتخاب دانست، اما نباید از واقعیت غفلت کنیم که خودسوزی آخرین گزینه برای خاتمه یک زندگی است زیرا حتی اگر در خوشبینانه ترین حالت فرد از آتش رهایی یابد عوارض سوختن تن، زیبایی، مرگ سلول ها، جوانی و بعضاً از بین رفتن بافت تا سالها و حتی تا ابد در شخص باقی می ماند.

همچنین زن ۳۰ ساله ای که تجربه دو با خودکشی ناموفق داشته می گوید: تحدید و فشارها نسبت به دختران در خانواده که حتی در برخی موارد حتی اجازه بیرون رفتن از منزل را فرزند دختر ندارد و گرفتن حق انتخاب حتی در انتخاب لباس، کفش، برنامه تلویزیونی و ایرادهایی اینچنینی، و در نهایت ازدواج تحمیلی موجب شد روحیه ام را به طور کلی از دست بدهم، از طرفی زخم زبان های خانواده همسر و کتک های وحشتناک آنان عرضه را به من تنگ کرد. من در خانواده همسر هر روز منزویتر و گوشهگیرتر می شدم، التماس هایم به شوهرم برای داشتن زندگی مستقل بی فایده بود

و در نتیجه انگیزه خودکشی در منت تقویت شد.

این زن تمامی عوامل گرایش به خودکشی را در خود پروراند بود، جامعه بسته ایلام، چند همسری و تعدد زوجات و از سوی دیگر فقر فرهنگی، موجب شد احساس کمبود، حقارت، استرس و اضطراب و نداشتن فرصت برای بیان دردها و نیازها، تنها راه را برای ادامه زندگی خودکشی بینداین نوع خودکشی که در اثر فقر فرهنگی، فقر اقتصادی و ازدواج های تحمیلی است، آمار بالایی را به خود اختصاص داده است. از سوی دیگر حس انتقام جویی که با لطمه به خود و به صورت خودکشی نمایان می شود از دیگر عوامل خودکشی به ویژه نوع زجرآور آن یعنی خودسوزی است.

پروانه. الف در این باره می گوید: وقتی چهارده ساله بودم، یک روز از مدرسه به خانه برگشتم، پدرم با اشاره به مردی که همسن پدرم بود گفت: آماده باش با مدرسه خداحافظی کن چندروز دیگر عروسیات برپا می شود. وقتی اعتراض کردم در مقابل دیدگان اقوام با شلنگ به جانم افتاد تا اینکه رضایت داد و همسر مردی شدم که با تفاوت سنی بسیاری زیادی که با من داشت به نظرم مرد وحشتناک و خشنی بود که تا حد مرگ از او می ترسیدم. بنابراین با خودسوزی می خواستم از پدرم، فقر و خودم انتقام بگیرم!

از سوی دیگر آمار خودکشی به ویژه در میان دانش آموزان دبیرستانی بسیار بالا است وضعیت خانوادگی، فقر اقتصادی، متغیرهای جنسیت، عزت نفس، افسردگی، کارکرد تحصیلی و ناهنجاری ها و عدم حمایت اجتماعی از جمله مواردی است که خودکشی را آخرین راه برای اعتراض بدانند. که اگر چه بسیاری از افرادی که خودسوزی می

چند همسری و تعدد زوجات و از سوی دیگر فقر فرهنگی، موجب شد احساس کمبود، حقارت، استرس و اضطراب و نداشتن فرصت برای بیان دردها و نیازها، تنها راه را برای ادامه زندگی خودکشی بیند



آمارهای رسمی در ایلام نشان می‌دهد، افسردگی زنان دو تا سه برابر مردان است

کنند در لحظات اوج گرفتن آتش پشیمان می‌شوند اما کاری از دست کسی بر نمی‌آید. در برخی موارد متأسفانه به دلیل آن در سوختگی‌های شدید تا دو ساعت قبل از مرگ به دلیل اختلال الکترولیتی بدن، درد احساس نمی‌شود. فرد خودسوخته تنها با جمع کردن تمام توان خود امید به زندگی را در یک لغت خلاصه می‌کند: پشیمانم!

پشیمان...

اگر این بار نجات پیدا کنم... این سخن زنی است که دیگر آمیدی به زندگی دوباره اش نیست! او در مورد خودسوزی خود گفت: دو روز دعوا، کتک کاری، خانه پدر جایی نداشتم مادرم می‌گفت: بسوز و بساز درست مثل من، قدم خودت و شوهرت و بچه‌هایت به روی چشم، اما تنها و با اسم بیوه در خانه جایی نداری...

اما این فرد دیگر راه نجاتی نداشت دو ساعت بعد برای همیشه از دردهای ناشی از تازیانه رها شد...
● **جان در این سرزمین ارزان است!**

کارشناس علوم اجتماعی دهه ۸۰ را در ایران دهه بحران‌های گسترده



اجتماعی نام نهاده‌اند، سیل مهاجرت، افزایش فقر و نابرابری چاشنی تلخ تغییرات اجتماعی بود. روانشناسان در این باره معتقدند، عدم احساس تعلق، یا گم‌شدگی نیز ممکن است برای رسیدن به آرامش به رفتارهای ضد اجتماعی دست بزند.

اما اختلافات خانوادگی به ویژه در استانهایی که همچنان ازدواج اجباری رسم و سنت است، از دیگر عوامل خودکشی است و نزاع‌های بی‌درمان که زنان یا قربانی کردن خود به آن خاتمه می‌دهند!

همچنین احساس حزن و اندوه، احساس کاهش علاقه به اطرافیان، حساسیت به نقاط ضعف، تحقیر، رنجیدگی خاطر، کاهش قدرت تصمیم‌گیری، خستگی زودرس و نگرانی از ناراحتی‌های جسمی از جمله مهمترین عوامل روز افسردگی است، متأسفانه آمارهای رسمی در ایلام نشان می‌دهد، افسردگی زنان دو تا سه برابر مردان است.

پروین بختیار نژاد جامعه‌شناس در این باره می‌گوید: در تحقیقات به عمل آمده از ۵۱ دانشجوی دانشگاه ایلام اعلام می‌دارد که ۱۲ درصد از دانشجویان از افسردگی شدید رنج می‌برند، ۵/۲۹ درصد از دانشجویان افکار نامید و ۲۶ درصد از این افراد دارای افکار خودکشی بوده‌اند.

این موضوع نشان می‌دهد تغییر شرایط در مسیر بهبود و سعی و تلاش در جهت افزایش آموزش و گریز از فقر فرهنگی که منجر به بالا بردن سطح علمی گیرد و تأثیر چندانی در بهبود روابط انسانی به ویژه در خانواده‌ها نگذاشته است. و جامعه ایل تبار همچنان بر شکل‌گیری روابط بر اساس پیوندهای خونی و قبیله‌ای استوار است، زنان ایلامی عمدتاً احساس بی‌قدرتی و تنهایی می‌کنند. تا جایی که دو دهه اخیر

آمار خودکشی و به ویژه خودسوزی رو به صعود گذاشته است.

● **تصمیم قطعی برای مردن**

همچنین در «گزارش ملی خشونت علیه زنان» که نهاد ریاست جمهوری در سال ۱۳۷۹ آن را منتشر کرد، آمار خودکشی زنان در استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، کرمانشاه و کردستان بسیار بالاتر از میانگین کشوری گزارش شده است. در کرمانشاه معضل اصلی روشهایی است که زنان برای خودکشی انتخاب می‌کنند. این روشها معمولاً عبارت است از خودسوزی و خوردن سموم قوی کشاورزی، همچون سم کشنده سوبین.

روانشناسان معتقدند که این کار آنها تنها یک دلیل دارد، تصمیم قطعی برای مردن.

بنابر آمار به دست آمده زنان متأهل بیش از دختران مجرد اقدام به خودکشی می‌کنند.

علت خودکشی دختران مجرد معمولاً اعمال فشار از سوی خانواده، تجاوز جنسی، تهدید و ارباب، احساس پوچی و بی‌توجهی خانواده است.

خودکشی اکثر این دختران را می‌توان به گریه نوزادی تشبیه کرد که وقتی نیازش برآورده میشود، سعی می‌کند با جیغ زدن توجه دیگران را برای برآوردن نیازش جلب کند.

کیمیا یک هفته پیش با خوردن چند قرص آرامبخش تلاش کرد خودش را بکشد، درباره علت کارش می‌گوید: «مامان خیلی به من گیر می‌ده، تمام آزادی‌های من را محدود کرده، تحمل این شرایط برام ممکن نبود.»

اما تنها این موضوع نیست. خانواده کیمیا از زمانی که نتایج کنکور اعلام شد، او را به دلیل موفق نبودن در کنکور تحقیر کرده‌اند.



اما یک روانشناس معتقد است دلیل اصلی خودکشی زنان متأهل بی پناهی در جامعه است. وی افزود زشت بودن طلاق در جامعه، عدم حمایت درست خانواده در صورت جدایی و ترس از بدتر شدن شرایط در صورت طلاق سبب می شود زن در حالتی قرار بگیرد که دیگر نخواهد زنده بماند. اما در کتاب «زنان خودسوخته» نوشته پروین بختیارنژاد، بالا رفتن سطح آگاهی زنان و اطلاع از اینکه چه حقوقی از آنان سلب شده و عدم توانایی زنان باری تغییر وضع موجود از علل اقدام به خودکشی ذکر شده است.

● **خودسوزی یک اعتراض نهفتها**

برخی از کارشناس معتقدند که خودسوزی در خود یک نوع اعتراض نهفته دارد و در حقیقت برخلاف روش های دیگر همچون خوردن قرص یا حلق آویز کردن است که آرام و بی سر و صدا صورت می گیرد. خودسوزی یک فریاد بلند است در اعتراض به وضع موجود.

اما آنچه در نتیجه صحبت با تعدد متعددی از زنان خودسوخته به دست آمده، نشان از اکتسابی بودن این شیوه از دیگران دارد. وقتی از لیلا دختر ۲۳ ساله ای که پس از خودسوزی زنده مانده می پرسیم چرا خودسوزی؟

می گوید: وقتی بچه بودم زن همسایه مان خودش را آتش زد و مردم. فکر کردم بهترین راه همین است.

آخرین تحقیقات به عمل آمده در خصوص خودسوزی زنان که مربوط به اواخر سال ۸۲ است استان کرمانشاه را با ۱/۱۳ درصد پس از استان ایلام در مقام دوم کشوری قرار داده است.

این در حالی است که یک گزارش با مقایسه آمار خودسوزی زنان در

سال های بین ۸۰ و ۸۳ رشد ۳۷ درصدی خودسوزی زنان در استان کرمانشاه را در مقابل رشد ۳۰ درصدی ایلام قرار داده است (روزنامه ایران ۸۳/۵/۲۰) علاوه بر این آمار خودسوزی در استان کرمانشاه در سه سال اخیر رشد صعودی داشته است. حتی چندی پیش به صورت غیررسمی اعلام شده که شهرستان اسلام آباد غرب رتبه نخست خودسوزی زنان در کشور را دارد.

یکی از علل مهم خودکشی در استان کرمانشاه را می توان به مسائل روانی ناشی از جنگ مربوط دانست. بهداشت روانی استان کرمانشاه آنگونه است که رئیس سابق دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه در جلسه شورای اداری استان که با حضور مجمع نمایندگان استان برگزار شده بود، این وضعیت را اسفبار خواند.

اینها همه نمونه ای از توسعه ناموزن است، توسعه ای که به جای پیشرفت، سبب ایجاد بحران شده است. بحرانی که بسیاری در آن برای رها شدن از آن تنها می توانند بمیرند. قبح و زشتی عمل خودکشی

سبب شده نه تنها خانواده ها از گزارش اینگونه مسائل خودداری کنند بلکه مراکز و سازمان های مسئول هم با پنهان کردن گزارشات خود سعی در حذف صورت مساله داشته باشند.

آمار خودکشی و خودسوزی از دید دانشگاه علوم پزشکی و سازمان بهزیستی محرمانه و امنیتی تلقی می شود. به دست آوردن این آمار کار چندان سختی نیست. فقط کفایت که چند روز به عنوان ملاقات سری به بخش سوختگی بیمارستان امام خمینی کرمانشاه زده و با کمی نشان دادن علاقه و کنجکاوی آمار مربوط به یک سال گذشته را به دست آورد.

متأسفانه این آمار اصلا رضایت بخش نیست. خبر از رشد ۴۳ درصدی خودسوزی زنان استان نسبت به سال پیش از آن می دهد. با کنار هم قرار دادن آمار و ارقام به دست آمده از این تحقیق میدانی، دور نمایی وضعیت زنان استان را می توان اینگونه عنوان کرد: در زنان گروه سنی بالاتر از پنج سال بیش از

بیشترین شیوع خودسوزی در گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال است که بیشتر از ۵۲ درصد کل سوختگی ها است





خودسوزی زنان، کودکان و مردان معضلی دهشتناک و رو به صعود است که خاص استان ایلام نیست، لرستان، کردستان، کرمانشاه و حتی خوزستان، چهارمحال بختیاری، اردبیل، بوشهر و... وجود دارد و متأسفانه به دلایل گوناگونی رو به افزایش است، در این بررسی کوتاه، یادآور شدیم: در کشور عزیزمان ایران اسلامی توجه به افشار مختلف و توجه عمیقتر قرار گیرد به ویژه استانهایی که زیر بار موشکهای جنگ تحمیلی با فشار زیادی رو به رو بوده و اینک در فقر اقتصادی شدیدی به سر می برند، توجه بیش از پیش ضرورت دارد، باید با افزایش آموزش و ایجاد باوری، ایجاد امکانات تفریحی و آموزشی، ارتقاء سطح علمی، فرهنگی، ارتقا جایگاه زن در نظام خانوادگی، بهره گیری از نقش مذهب در طرد باورهای نادرست، توجه به حل مشکلات اجتماعی و اقتصادی و توجه به معنویت و شرایط روحی و خانوادگی از ایجاد زمینه و انگیزه برای خودکشی پیشگیری کرده باید از همه گیر شدن این الگو و تبدیل آن به نوعی عادت بد در استانها جلوگیری به عمل آید، باید بدانیم این حق برای همه مردم ایران زمین است که به عنوان وارثان تاریخ، هویت و ثروت این سرزمین حق حیات داشتن و زندگی برابر و توأم با عزت بهره مند باشند.

۶۵ درصد کل سوختگی ها عمدی است.

بیشترین شیوع خودسوزی در گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال است که بیشتر از ۵۲ درصد کل سوختگی ها است. در کل موارد خودسوزی ۸۵ درصد عاملان مونث اند.

در صد خودسوزی در این افراد بین ۴۰ تا ۹۰ درصد است. کف سن خودسوزی ۱۲ تا ۳۸ سال است.

عامل سوختگی در اکثر موارد آتش و تنها در کمتر از سه درصد از مایع داغ استفاده شده است.

عامل مشتعل کننده در روستاها و شهرهای کوچک بیشتر نفت و در مرکز استان بیشتر بنزین است.

بیشتر از ۶۰ درصد زنانی که خودسوزی کرده اند متأهل بوده اند. احتمال مرگ در صورت خودسوزی در حدود ۹۰ درصد است.

به طور کلی می توان گفت در صورتی که یک خانم بیش از ۱۵ سال سن و بیش از ۳۰ درصد سوختگی داشته باشد، احتمال عمدی بودن سوختگی بیش از ۷۰ درصد است.

● **فریاد دادخواهی که هیچ شاکي ندارد!**

صدای آژیر آمبولانس های شهر، سکوت هر بعضی را می شکند، خاکستر شدن موهای خرمایی زن جوان در آتش و چروکیده شدن پوست شادان او با فریاد آژیر آمبولانس خاموش می شود و او می ماند با هزاران در تن، طعم تلخ مرگ را چشیدن برخی منابع بهزیستی آمار سالانه خودسوزی در ایلام را حدود ۴۳ مورد اعلام کرده اند، فریاد دادخواهی خاموشی که هیچ شاکي ندارد! و در صورت عدم موفقیت فرد در خودکشی احتمال دو حالت وجود دارد: یا از عمل زشت و گناه خود آگاه و تا پایان عمر پشیمان است و

● **نتیجه گیری**

زشت بودن طلاق، در جامعه، عدم حمایت درست خانواده در صورت جدایی و ترس از بدتر شدن شرایط در صورت طلاق سبب می شود زن در حالتی قرار بگیرد که دیگر نخواهد زنده بماند

